

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۳۱ فروردین ۱۳۹۶

آیه مورد بحث

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء-۱۵)

تحقق عذاب الهی پس از ارسال رسل و اطلاع مردم از تکالیف خود

خدای متعال با خلق دین و احکام و ضوابط شریعت مقدسه، امکان رشد مخلوقات مکلف خود یعنی فرزندان حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام و قبل از آن‌ها اجنه، را به وجود آورده است. در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آیاتی راجع به خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام ذکر شده است. البته به فرموده مرحوم امام سلام الله علیه آیاتی که مربوط به خلقت آن حضرت است از اسرار قرآنی است و انسان‌های عادی اطلاعی از حقیقت آن ندارند. در این‌جا در بعضی از مسائل ریز اختلافاتی بین محدثین وجود دارد. اهل معقول و فلسفه‌ی الهی تعبیر خاصی در مورد این گروه دارند و آن‌ها را اهل ظاهر می‌نامند.

خدای متعال مکلفی را خلق نفرمود مگر این که وسیله‌ی رشد و کمال او را خلق فرمود. ترجمه‌ی آیه‌ی کریمه‌ی مورد بحث که نیمی از آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء است این است که ما مخلوقات مکلف خود را به علت گناهشان عذاب نمی‌کنیم مگر آن زمانی که برای آن‌ها رسول فرستاده باشیم. منظور از رسول، انسانی است که خدای متعال او را خلق فرموده است تا پاسخگوی سؤالات ما باشد. "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون"، من جن و انسان را خلق نکردم مگر برای این که من را پرستش کنند. قبل از این که حق تعالی از ما توقع پرستش کند نام دین و قانون دین و حکم خدای متعال به گوش ما رسیده است. اگر ما در شرائطی قرار داشته باشیم که هیچ حکمی از دین را نشنیده باشیم، و خلافی مرتکب شویم، آن ارتکاب خلاف بنا بر جمله‌ی "و ما کنا معذبین" عذاب ندارد.

یکی از مسائل عمومی و احکام الهی که علما، فقها و روای احادیث، یعنی رسولان غیر معصوم حق تعالی، به گوش ما رسانده‌اند این است که باید قبل از رسیدن پسر یا دختر به مرز تکلیف با یک سری از مسائل و احکام الهی که ارتباط با زندگی روزمره‌ی او دارد آشنا شود. این امر توسط بزرگترها یا مدارس انجام می‌شود. خدای متعال برای ما دین و قانون و احکامی را خلق فرموده است که باید آن‌ها را فراگیریم.

در این آیه‌ی کریمه خدای متعال می‌فرماید: ما خلافکار و گناهکار را عذاب نمی‌کنیم مگر این که حکم شرعی به گوش او رسیده باشد. در همه‌ی رساله‌ها در مورد احکام روزه و کفارات روزه آمده است که اگر کسی نمی‌دانست و به گوشش نرسیده بود که شکستن روزه در ماه مبارک رمضان موجب کفاره می‌شود و معنی واجب بودن روزه را نمی‌دانست، تخلف او و شکستن روزه در حال عمد، کفاره ندارد. دلیل این حکم قسمت دوم آیه‌ی پانزدهم از سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء است: "وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا". اما قضای آن یک روز به دلیل معتبر دیگری به عهده‌ی چنین فردی هست.

یک قانون کلی که کاربرد فراوانی دارد این است: اگر غیر از آن دلیلی که یک عبادت را واجب کرده، دلیل معتبر دیگری وجود داشته باشد که در صورت فوت آن عبادت، قضا کردن آن عبادت لازم است، آن عبادت قضا دارد، اما در صورت عدم وجود چنین دلیلی، فوت آن عبادت قضا ندارد.

کفایت اطلاع‌رسانی رسولان به صورت عمومی

عذاب حق تعالی چند قسم است. یک مرحله از عذاب این است که در صورت شکستن عمدی یک روز روزه در ماه مبارک رمضان، باید شصت روز روزه به عنوان کفاره گرفت. این کار برای انسانی که به خوردن غذا علاقمند است، عذاب بزرگی است. عدل حق تعالی اقتضا می‌کند پس از این که برای این موجود مکلف و صاحب اراده از جن و انس، دینی خلق فرمود و قوانینی وضع کرد، برای او رسول بفرستد. رسول کسی است که شغل او انتقال احکام الهی به ما است. معنی ارسال رسل و بعث رسل این نیست که او وظیفه دارد به تک تک مردم مراجعه کند. در جوامع هم انسان‌های عاقل متدین و دلسوز در مجالس قانون‌گذاری، قوانین را وضع می‌کنند و تکالیفی برای انسان‌ها و شهرنشین‌ها معلوم می‌کنند و سپس این قوانین را به صورت عمومی اعلام می‌کنند. عدل حق تعالی هم فقط این مقدار اقتضا می‌کند که دستورات خود را به گوش ما برساند.

سائر موجودات هر کاری کنند بازخواست نمی‌شوند، اما ما تکلیف داریم و باید در مسیر بندگی حرکت کنیم. اجمالا هنگامی که این پیام به گوش ما رسید به حکم عقل باید حرکت کنیم و مقداری از عمر خود را صرف آشنایی با تکالیف خود کنیم. وظیفه‌ی انسان عاقلی که به بلوغ و تکلیف رسیده این است که وظائف خدایی خود را از کسانی که کارشناس این موضوع هستند بی‌رسد تا اگر بخواهد عمل کند برای او این امکان وجود داشته باشد. پاسخ‌گویی به این سوالات هم تاکنون به صورت رایگان انجام شده است. کاری که انسان بدون علم انجام بدهد خاصیت ندارد. علم به خودی خود سعادت‌ی برای ما خلق نمی‌کند ولی این علم، مقدمه است. همان‌گونه که اگر ما بخواهیم نمازی بخوانیم که در قیامت برای ما خاصیت داشته باشد و به وظیفه عمل کرده باشیم مقدمه‌اش وضو است. "لا صلوة الا بطهور". نماز بدون وضو صحیح نیست.

جاهل قاصر و جاهل مقصر

بعد از این که به گوش ما رسیده که خدای متعال برای ما دین خلق کرده است، اظهار بی‌اطلاعی از فرامین حق تعالی عذر موجهی نیست. اطلاع‌رسانی به ما نیاز به مراجعه خصوصی رسولان الهی به هر یک از ما ندارد. چنین عذری که ما نمی‌دانستیم، انسان را از عذاب شدن مصون نمی‌دارد. در صورت تخلف راننده از قوانین رانندگی هم، عذر عدم اطلاع او مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و راننده متخلف جریمه می‌شود. ضوابط الهی هم طبق ضوابط عقلایی است، با این تفاوت که در ضوابط غیر الهی اشتباه تصور می‌شود اما در ضوابط الهی اشتباه تصور نمی‌شود. زیرا کسی که دین را خلق فرموده، خود خالق مکلفین است.

او می‌داند که این مکلف نیازمند چه کاری به عنوان واجب و نیازمند چه کاری به عنوان ترک حرام است. این مقدار علم را هیچ کسی ندارد. لذا عقیده همه‌ی علما سلام الله علیهم این است که حتما احکام خدا حکمت و دلیل دارد. ما وظیفه داریم به این احکام عمل کنیم هرچند دلیل آن‌ها را ندانیم. اگر پس از رسیدن این دستورات به گوش ما به دنبال فراگیری آن‌ها نرفتیم و با مسئولیت‌ها و وظائف خود آشنا نشدیم و پس از مدتی متوجه شدیم که مثلا بعضی از واجبات را از دست داده‌ایم، در این جا معذور نیستیم. به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان نمی‌توان گفت که من به خوردن ادامه دادم تا صدای اذان صبح به گوشم رسید. شما می‌دانستید که روزه عملی است که انسان باید انجام دهد؛ یعنی باید نیت کند و خوردن و آشامیدن و سایر مفطرات را ترک کند، پس باید احکام مربوطه را فرامی‌گرفتید.

بنابراین، تکلیف "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون" به عهده‌ی همه‌ی ما است. تنها عذر افرادی پذیرفته است که در نقاط دور دست و خارج از جوامع انسانی و بی اطلاع از وقایع، زندگی می‌کنند؛ مثلا کسانی که در قدیم در

قطب‌ها زندگی می‌کردند. این‌ها موجودات زنده بودند اما از انسانیت بهره نداشتند. خدای متعال این افراد که جاهل قاصر نامیده می‌شوند را عذاب نمی‌کند. اما اگر در شهرها کسی از وظیفه‌ی خود بی‌اطلاع باشد و به موجب این بی‌اطلاعی، از وظیفه تخلف کند جاهل مقصر است زیرا خودش کوتاهی کرده است.

بعثت در همه‌ی اجتماعات انسانی از سوی حق تعالی وجود دارد. اگر به طور کلی این عنوان به گوش افراد برسد کافی است و آن‌ها باید به حکم عقل خود به دنبال آموختن احکام جزئی و ریز تکالیف خود باشند. اگر انسان در شهری مانند تهران یا شهرهای کوچک‌تر، فردی را با لباس روحانیت مشاهده کند، درمی‌یابد که شغل این فرد با سایرین متفاوت است. او علوم خاصی را دنبال می‌کند که به دین ربط دارد. مردم هم می‌توانند مسایل مرتبط با دین را از او سوال کنند. بنابراین در چنین شرایطی جهل و نادانی برای ما عذر نمی‌شود. وظیفه‌ی ما این است که سؤال کنیم و احکام مبتلا به، یعنی وظائف روزمره‌ی خود را یاد بگیریم تا مبتلا به تخلف از آن‌ها نشویم. واجبی نباشد که آن‌را ندانیم و ترک کنیم. حرامی نباشد که از آن بی‌اطلاع باشیم و نعوذبالله مرتکب شویم.

نیمه‌ی دوم آیه‌ی پانزده از سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء مشتمل بر این قانون است که اگر مفهوم دین و احکام الهی به گوش کسی نخورده است دو صورت دارد: اگر به صورت کلی این مطالب را شنیده است مکلف است و در صورت تخلف، خدای متعال او را عذاب می‌کند. اما اگر جاهل قاصر است و به طور کلی از دین و احکام آن بی‌اطلاع است عذاب نمی‌شود و عذر دارد. خدای متعال می‌داند که این اظهار نادانی، حقیقت دارد یا دروغ است. در روایات در مورد سرنوشت چنین افرادی در قیامت آمده است که برای این‌ها کلاس تشکیل می‌دهند و در آن کلاس امتحانشان می‌کنند. اگر از جمله انسان‌های مطیع بودند آن‌ها را به بهشت می‌برند. اما اگر افرادی لجباز بودند و با وجود فراگیری مطالب، می‌خواستند تخلف کنند آن‌ها را به جهنم می‌برند.

در قرآن کریم در مورد بعثت و فرستادن پیامبران الهی آیات متعددی وجود دارد که همه حکایت از همین قانونی می‌کند که از این آیه‌ی کریمه استخراج شد. ریشه‌ی این قانون عدل حق تعالی است. زیرا خدای متعال از انسان توقع رشد و کمال دارد لذا ضرورت دارد که وسائل آن‌را تامین کند. یکی از این وسایل فرستادن انبیاء سلام الله علیهم اجمعین است. در دنیا هیچ فرهنگ و تمدنی مانند تمدن دین‌داری، رایگان در اختیار مردم نیست. برای فراگیری هر علمی باید هزینه کرد. اما یاد گرفتن دین برای کسی که واقعا میل دارد احکام دین را یاد بگیرد و عمل کند تا در قیامت دارای رشد و کمال باشد رایگان است. این امر از نعمت‌های بزرگ حق تعالی است.

مظلومیت موسی بن جعفر سلام الله علیه در حکومت عباسی

بر حسب مشهور مورخین، بیست و پنجم رجب شهادت حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیه واقع شده است. یکی از سیاست‌های حق تعالی در بنده‌داری و رشد دادن بنده‌ها و اشتیاق آن‌ها به کمال، این است که اولیاء خود را در بین مردم مظلوم قرار می‌دهد، یعنی مورد ظلم واقع می‌شوند. واضح است که آن‌هایی که نسبت به این بزرگواران ظلم مرتکب می‌شوند با اختیار ظلم می‌کنند و گناهکارند. هارون الرشید چهارده سال حکومت کرد و در این چهارده سال خلاف‌های زیادی مرتکب شد. او در مسیر بندگی خدای خود قرار نگرفت. عباسیون بالاترین ظلم‌ها را به ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین کردند و در این کار از بنی‌امیه پیشی گرفتند. ظلم بنی‌امیه موجب مفتضح شدن آن‌ها شد.

خلفای قبل از هارون الرشید جرأت نکردند که موسی بن جعفر صلوات الله علیهما را به درجه‌ی شهادت برسانند ولی قساوت و شقاوت هارون الرشید باعث شد که این تصمیم را گرفت. چند بار حضرت را به زندان انداختند، اما کراماتی از آن بزرگوار دیدند و حضرت را رها کردند. سرانجام حضرت را به مدت چهار سال در زندان سندی بن شاهک قرار

پنج‌شنبه، ۳۱ فروردین ۱۳۹۶

دادند. آن زندان که بسیار عجیب بود، در عمق زیادی واقع شده و نور کمی به آن می‌رسید و شب و روز آن جا یکسان بود. این بزرگوار هم مشغول عبادت و روزه‌دار بود.

همه‌ی علما از سید بن طاووس نقل کرده‌اند که زجری که به این بزرگوار می‌دادند بسیار زیاد بود. ایشان در آن صلوات و سلامی که خدمت حضرت تقدیم می‌کند وضعیت این بزرگوار را شرح می‌دهد. سنگینی غل و زنجیر استخوان پای حضرت را کوبیده بود. رضّ به معنی کوبیدن است. یک هفته قبل از شهادت آن حضرت، هارون به ایشان با تعبیر به پسر عمو، نامه نوشت و عرض کرد که من قسم خورده‌ام که شما را به زندان بباندازم و نمی‌خواهم که قسم خود را بشکنم. شما نامه‌ای به من بنویسید و عذرخواهی کنید تا شما را فوراً آزاد کنم. حضرت مرقوم فرمودند که من خلافتی نکرده‌ام که عذرخواهی کنم و شما من را بدون خلاف زندانی کرده‌اید.

صبور بودن اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین در مصائبی که خدای متعال برای این بزرگان مقدر فرموده است نیازی به اثبات ندارد. صبر ایشان همه‌ی انسان‌های دین‌دار و بی‌دین را متعجب می‌کند. اما آن قدر حضرت تحت فشار بودند که از خدای متعال مرگ خود را درخواست می‌کردند. پس از شهادت حضرت، از مراجع چهارگانه اهل سنت، غیر از احمد بن حنبل، گواهی گرفته بودند که حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. احمد بن حنبل این گواهی را نمی‌نویسد. با مشاهده‌ی اختلاف مردم در این امر، شیعه‌ای کنار بدن مطهر حضرت می‌آید و می‌گوید من نسبت به امام خود اعتقاد دارم که زنده و مرده ندارد و پاسخ مرا خواهد داد. او سؤال می‌کند که آقا جان شما را کشته‌اند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اید؟ نقل شده است که سه مرتبه حضرت فرمود: قتلاً قتلاً قتلاً. عموی هارون الرشید شیعیان را حاضر می‌کند و این بزرگوار را با تشییع محترمانه‌ای به سمت مقابر قریش در کاظمین علیهما السلام می‌برند.